

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گزارش مدیریتی پژوهش

فراتحلیل تحقیقات و مقالات مربوط به
اشتغال زنان و اقتصاد خانواده در شهر تهران
کمال خالق‌پناه - آوات رضایا



معاونت امور اجتماعی و فرهنگی
اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی

فرا تحلیل تحقیقات و مقالات مربوط به اشتغال زنان و اقتصاد خانواده در شهر تهران

کمال خالق پناه
آوات رضانیا

۲- منابع مورد استفاده در متن

۱. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸)، اشتغال زنان در جامعه، برگرفته از سایت زیر
به تاریخ ۸۸/۱/۲۰:

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=۳۶۷۷&id=۲۰۰۳۰>

۲. اسفندیار، سرور (۱۳۸۸)، روند ظهور فمینیسم در چهار قرن اخیر، برگرفت
به تاریخ ۸۸/۱/۲۰ از آدرس زیر:

<http://www.bashgah.net/modules.php?name=Articles&op>

۳. اوتادی، مریم (۱۳۸۰۹)، تاثیر اشتغال زنان بر سلامت روان همسرانشان،
پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و
روانشناسی

۴. پاملا آبوت، کلرو الاس (۱۳۷۶)، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های
فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر

۵. دلاور، علی (۱۳۸۱)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم کاربردی،
تهران: نشر ویرایش

۶. سفیری، خدیجه (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران: نشر تبیان

۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲)، تاریخ دو قرن فمینیسم، جلد اول، تهران: نشر و
پژوهش شیرازه

۸. مقدم والتین (۱۳۸۴)، اشتغال زنان در ایران امروز، ترجمه و تخلص ف.م
هاشمی، برگرفته به تاریخ ۸۸/۱/۲۰ از آدرس زیر:

<http://www.iranmania.com/News/Farsi/ArticleView>



معاونت امور اجتماعی و فرهنگی
اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی

گزارش مدیریتی پژوهش

موضوع: فراتحلیل تحقیقات و مقالات مربوط به اشتغال زنان و اقتصاد خانواده در شهر تهران

معاون امور اجتماعی و فرهنگی: دکتر سید هادی یازی

مدیر کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهر تهران: سیدرضا مصطفوی

پژوهشگران: کمال خالق پناه - آوات رضانیا

ناظر: دکتر ابوعلی ودادهیر

سال انتشار: ۱۳۸۸

ناشر: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران

/ کلیه حقوق این اثر متعلق به اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران می‌باشد /

/ استفاده از مطالب آن یا ذکر مأخذ بلامانع است /

/ نشانی: تهران، تقاطع خیابان شهید گمنام و بزرگراه کردستان /

/ معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، طبقه دوم، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی

دورنگار: ۸۲۱۰۶۲۰۹

تلفن: ۸۲۱۰۶۰۰۰

۱۵. طالقانی، منصور (۱۳۸۳) بررسی مقایسه ای رفتارهای مدیریتی زنان و مردان در برخی ادارات دولتی شهر تهران، کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
۱۶. عنادی، منیژه (۱۳۷۹)، بررسی رابطه تحصیلات و مشاغل زنان تحصیلکرده در سازمان مرکزی صدا و سیما با رضایت شغلی آنان، کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
۱۷. غلام زاده بافقی، طیبه (۱۳۸۳)، بررسی محدودیت‌ها و موانع مشارکت زنان در سطوح میانی و عالی مدیریت آموزش و پرورش از دیدگاه کارکنان ادارات آموزش و پرورش شهر تهران، کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی
۱۸. فرروزنده، زهرا (۱۳۸۲)، سنجش گرایش زنان به اشتغال و عوامل موثر بر آن، کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم انسانی تربیت مدرس
۱۹. کاری، فیروزه (۱۳۸۲) تأثیر تحصیلات و اشتغال زنان بر تاخیر در سن ازدواج، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء
۲۰. یزدانی، محمد (۱۳۸۴)، بررسی وضعیت اشتغال زنان در صنعت جهانگردی با تأکید بر سنجش نگرش مدیران هتل‌های تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

این مقاله به دنبال فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه اشتغال زنان در شهر تهران می‌باشد. مطالعات موجود در زمینه اشتغال زنان در تهران از رویکردهای نظری و روشی متفاوت و با مسائل متفاوتی به مسئله اشتغال زنان در تهران پرداخته‌اند، لذا در این مقاله سعی شده است که با فراتحلیل مطالعات انجام گرفته دیدی کلی از وضعیت اشتغال زنان و مسائل و مشکلات آن در شهر تهران فراهم شود و هم به نقد و بررسی پژوهش‌های موجود در این زمینه بپردازد. کار فراتحلیل با ارائه یک فراترئیه جامع برای تبیین پژوهش‌های موجود شروع شده است، سپس با مراجعه به پژوهش‌های موجود، رویکردهای نظری و روش‌شناختی و ایدئولوژیک این پژوهش‌ها شناسایی شده و دسته بندی شده و مورد نقد قرار گرفته‌اند.

نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر تحقیقات انجام گرفته در مورد اشتغال زنان در تهران با رویکرد دانش اجتماعی سنتی و مردسالارانه و در پارادایم پوزیتیویستی و با استفاده از روش‌های کمی انجام گرفته است و تعداد پژوهش‌های کیفی و با رویکردهای فمینیستی در این زمینه بسیار کم می‌باشد.

کلید واژه ها: مطالعات زنان، اشتغال زنان، فرا تحلیل، فراترئیه، دانش اجتماعی مردسالارانه، فمینیسم لیبرال، فمینیسم اسلامی، فمینیسم رادیکال

مقدمه

اشتغال زنان مسئله‌ای است که نیمی از نیروی کار را در کشور شامل می‌شود (سفیری، ۱۳۷۷: ۷). امروزه زنان نیز مانند مردان توانایی‌ها و مهارت‌های کاری را کسب می‌کنند و خواهان مشغول به کار شدن در بخش‌های مختلف اقتصادی هستند (ابوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۶۱). این موضوع مسائل بسیاری را از قبیل نامناسب بودن وضعیت اشتغال زنان در ایران، کمتر بودن فرصت‌های شغلی آنان نسبت به مردان، بحث مشارکت اقتصادی زنان در خارج از خانه و ... به دنبال خود آورده است. سنت‌های ریشه‌دار اجتماعی و دینی، زنان را به سوی حفظ ارکان خانواده دعوت می‌کند؛ اما هنجارهای دنیای متجدد از دیگرسو آنان را به حضور هرچه بیشتر در جامعه و همکاری فعال در مراکز اشتغال فرامی‌خواند (آذربایجانی، ۱۳۸۷). در این مقاله ما با استفاده از روش فراتحلیل تحقیقات انجام گرفته در حوزه اشتغال زنان را مورد تحلیل قرار داده و رویکردها، روش‌ها و نتایج آن‌ها را دسته بندی کرده و مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

طرح مسئله

مطالعات زنان، در ادبیات جامعه‌شناختی ایران بسیار متأخر است. حوزه‌ای که اهمیت آن ناشی از شناخت جایگاه زنان و نقش آن‌ها در جهان امروز است. این حوزه در کلیت آن، مسائل و مباحث متعددی را در برمی‌گیرد. اما در این میان همواره پرسش از پیامدها و سودمندی‌های این مطالعات است. این مطالعات چگونه مسائل و مباحث زنان در تهران را صورت‌بندی می‌کنند؟ مسئله اشتغال زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین بعدهای مسئله زنان در ایران در رابطه با مطالعاتی که در تهران انجام شده است چگونه مطرح می‌شود؟ این مطالعات مسئله اشتغال زنان را از چه دیدگاهی مورد بررسی قرار می‌دهند؟ و چه راهکارهایی برای آن‌ها

۸. خلیل نیا، سمیه (۱۳۸۵)، بررسی رابطه آموزش و برخی عوامل فرهنگی، اجتماعی با اشتغال زنان در پست‌های مدیریتی در دانشگاه‌های شهر تهران، کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران

۹. دانشمندی، فاطمه (۱۳۵۵)، بررسی میزان احساس خوشبختی زنان متأهل شاغل به امور فرهنگی دبیران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

۱۰. دستیاری، فاطمه (۱۳۸۴)، بررسی تأثیر خود‌پنداری بر رضایت شغلی زنان شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، کارشناسی ارشد رشته پژوهش در علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا

۱۱. ذکاء، مهری (۱۳۵۴)، تصمیم‌گیری زنان شاغل و غیر شاغل در امور خانه و خانواده (در تهران)، کارشناسی علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

۱۲. زمانی، فریبا (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر اشتغال زنان معلم بر ندگی خانوادگی آنان (در شهر تهران)، بخش جامعه‌شناسی پژوهشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

۱۳. سفیری، خدیجه (۱۳۷۳)، بررسی جنبه‌های کمی و کیفی اشتغال زنان و رابطه آن با توسعه اقتصادی، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس

۱۴. شهیدی، لاله (۱۳۷۸)، بررسی علل و موانع عدم حضور زنان در پست‌های مدیریتی در شهر تهران، لاله شهیدی، کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا

منابع

۱- تحقیقات مورد استفاده در این پژوهش

۱. اسد خانی، فریبا (۱۳۷۸)، ارتباط بین نقش جنسیتی و شیوه های مقابله با استرس در زنان متأهل شاغل شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا
۲. بخشی پور، سکینه (۱۳۷۳)، تعیین پایگاه طبقاتی زنان شاغل در کادر اداری دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
۳. پرویزی، حوریه (۱۳۸۵)، پدیدار شناسی سلامت زنان سرپرست خانواده شاغل در تهران، کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا
۴. پور قاسم، شهلا (۱۳۸۱)، بررسی وضعیت و مشکلات زنان دارای تحصیلات عالی جویای کار شهر تهران، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
۵. تبریزی، سمیرا (۱۳۸۵)، مقایسه کمی رضایت زناشویی در زنان شاغل و متأهل تهرانی با تأکید بر همسانی و عدم همسانی منزلت شغلی زوجین، کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهرا
۶. حاجی زاده، مینا (۱۳۸۴)، بررسی تطبیقی میزان ارتقاء زنان و مردان عضو هیئت علمی دانشگاه های تهران، کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا
۷. حاجیان، زهره (۱۳۸۰)، بررسی انگیزه های اشتغال زنان و تحصیلات زنان شاغل در دانشگاه های دولتی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا

دارند؟ این موضوع ضرورت یک فراتحلیل در زمینه مسئله اشتغال زنان را به وجود آورده است، که در این پژوهش تحت عنوان **اشتغال، خانواده و زنان تهران (اقتصادی-اجتماعی)** مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. پژوهش‌های بسیاری که در این زمینه انجام گرفته، همه و همه درصدد صورت‌بندی این تحول و تعدیل آن‌ها بوده‌اند. برای تبیین این امر مفاهیم گوناگونی به کار برده می‌شود، و آشفتگی مفهومی به بار آورده است، چیزی که در برخورد با زنان در سیاست‌های اجتماعی خود را نشان می‌دهد. این امر در حالی است که نه تنها همچنان در درک وضعیت اشتغال زنان دچار مشکل و مسئله بوده، بلکه این پژوهش‌ها کمکی به درک، تبیین و سیاستگذاری برای زنان نکرده‌اند.

سؤالات تحقیق

- ۱) پژوهش‌های منتخب، چگونه مناسبات جنسیتی و مسائل و مباحث زنان در حوزه‌ی اشتغال را شناسایی، مطرح و صورت‌بندی کرده‌اند؟
- ۲) آیا این پژوهش‌ها نتایج متفاوت و متناقضی را در برداشته و به همین دلیل به لحاظ علمی غیر قابل اتکا، غیر دقیق و فاقد استانداردهای علمی بوده و در عمل فاقد هرگونه سیاست اجتماعی منسجمی هستند؟
- ۳) پیشنهادات و راهکارهای این پژوهش‌ها چیست و چگونه مسئله اشتغال زنان را ارزیابی می‌کنند؟
- ۴) پژوهش‌های منتخب، زمینه‌ها و شرایط مناسب جنسیتی در زمینه اشتغال زنان را چگونه صورت‌بندی می‌کنند؟

چارچوب نظری

آنچه که در این جا و در این تحقیق مد نظر است، ارائه یک چارچوب نظری کلان برای تحلیل تحقیقات انجام گرفته در زمینه اشتغال زنان در تهران است. تحقیقات در زمینه اشتغال زنان در ایران محدوده وسیعی از دیدگاه‌ها و نظریه‌ها را در برمی‌گیرد. در این جا ارائه یک تقسیم‌بندی در زمینه مبانی این تحقیقات مفید است و به همین دلیل سعی می‌شود تا پراکندگی‌هایی که در حوزه تحقیقی اشتغال زنان در تهران وجود دارد با ارائه الگوهای کلان تحقیقی، جمع و جور شود. در راستای این هدف ما بر این باور هستیم که تمامی تحقیقات انجام گرفته در زمینه اشتغال زنان در تهران را می‌توان به تحقیقاتی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و روان‌شناختی تقسیم‌بندی کرد. این تقسیم‌بندی به ما این امکان را می‌دهد تا اهداف و مبانی نظری و نتایج هر کدام از تحقیقات را با مرتبط ساختن آن به یک حوزه تحقیقاتی مورد نقد و تحلیل قرار بدهیم. چارچوب فرانظری فعلی تنها این امکان را به ما می‌دهد تا تحقیقات انجام گرفته در زمینه اشتغال زنان در تهران را در حوزه‌های سه‌گانه مورد توصیف قرار دهیم و یا به نقد روش شناختی آن‌ها بپردازیم و یا آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنیم. برای نقد نظری و ارزش‌گذاری این تحقیقات این چارچوب ناکامل است، به همین جهت سعی می‌شود تا در این چارچوب فرانظری به مبانی نظری و فکری این ایده‌ها نیز پرداخته شود. ما در اینجا تحقیقات انجام گرفته در زمینه اشتغال زنان در تهران را در چهار حوزه نظری و فکری جامعه‌شناسی سنتی، فمینیسم افراطی، فمینیسم لیبرال و دیدگاه‌های فمینیسم اسلامی در زمینه اشتغال زنان تقسیم‌بندی کنیم.

نتیجه‌گیری

در این مطالعه ما بر آن بوده‌ایم که تحقیقات صورت گرفته در رابطه با اشتغال زنان در شهر تهران را فرا تحلیل کنیم. تحقیقات مربوط به اشتغال زنان در تهران به جنبه‌های مختلفی از این قضیه پرداخته‌اند. به همین دلیل ما با ساختن یک الگوی فرانظری کار خود را شروع کرده‌ایم. الگوی فرانظری در این تحقیق شامل توضیح مبانی مختلف شکل‌گیری تحقیقات مربوط به اشتغال زنان در تهران می‌شود. در این رابطه یک الگوی دو وجهی طراحی شده است. در وجه اول این الگو تیپولوژی تحقیقات مربوط به اشتغال زنان در تهران مورد نظر بوده است. در این تیپولوژی تحقیقات، ما به چهار نوع از تحقیقات اشاره کرده‌ایم. تحقیقاتی که به مسائل اقتصادی در رابطه با اشتغال زنان می‌پردازند و تحقیقاتی که به مسائل روان‌شناختی اشتغال زنان در تهران می‌پردازند و در نهایت تحقیقاتی که مسائل اجتماعی و فرهنگی را در رابطه با اشتغال زنان مورد تأکید قرار می‌دهند. وجه دیگر الگوی فراتحلیل ما در این تحقیق مشخص ساختن پارادایم‌های حاکم بر تحقیقات انجام گرفته در مورد اشتغال زنان در شهر تهران می‌باشد. در این وجه چهار پارادایم مورد اشاره قرار گرفته است. این پارادایم‌ها عبارتند از پارادایم دانش اجتماعی سنتی یا مردانه، فمینیسم لیبرال، فمینیسم رادیکال و دیدگاه‌های اسلامی در رابطه با اشتغال زنان است. در کل پارادایم دانش اجتماعی سنتی و پوزیتیویستی و استفاده از روش‌های کمی بر مطالعات مربوط به اشتغال زنان حاکم بوده و در دیگر پارادایم‌ها و رویکردهای کیفی مطالعات کمتری انجام گرفته است.

فمینیستی ارجاع داده‌اند و یا از روش تحقیق کیفی و یا کمی و کیفی با هم استفاده کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان دهنده عدم استقبال از پارادایم فمینیسم لیبرال در بین پژوهش‌های انجام گرفته در مورد اشتغال زنان در تهران می‌باشد.

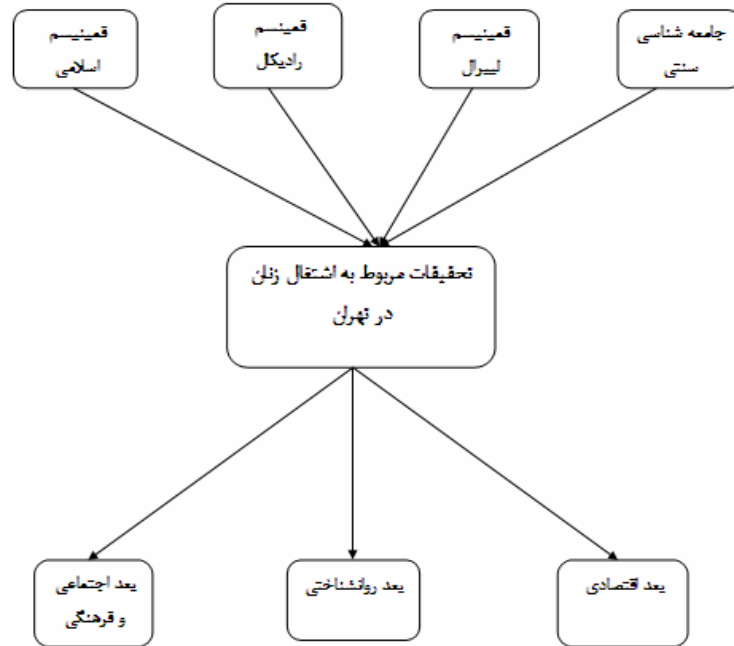
فمینیسم رادیکال

در رابطه با تحقیقات مربوط به اشتغال زنان در تهران همان‌طور که قبلاً اشاره شد، بیشتر تحقیقات صورت گرفته در چارچوب جامعه‌شناسی سنتی به مسئله اشتغال زنان پرداخته‌اند. دیدگاه‌های فمینیستی لیبرال به صورت محدودی بر روی این تحقیقات اثر گذاشته‌اند، اما دیدگاه فمینیستی رادیکال در این حوزه خیلی کم به کار گرفته شده است و تنها یک تحقیق با این رویکرد و آن‌هم به صورت محدود به مسئله پرداخته است. فمینیسم رادیکال در بین تحقیقات مربوط به اشتغال زنان به هیچ وجه حضور گسترده‌ای ندارد و از لحاظ نظری، مسئله و روش‌شناسی و تأکید بر خواسته‌های افراطی در بین محققان زیاد مورد استقبال قرار نگرفته است.

پارادایم اسلامی

در رابطه با اشتغال زنان در شهر تهران ما با حضور بسیار محدود دیدگاه اسلامی مواجه بوده‌ایم. اگر چه دانشمندان اسلامی در رابطه با اشتغال زنان مسائلی را به صورت کلی مطرح ساخته‌اند اما به صورت کار عملی بر روی شهر تهران نمونه و مصداقی از این نوع دیدگاه‌ها وجود ندارد. حضور دیدگاه‌های جامعه‌شناسی سنتی و مردانه به گونه‌ای فراگیر است که جایی برای دیگر پارادایم‌ها مانند پارادایم اسلامی باقی نگذاشته است.

نمودار ۱: مدل فرا نظری برای تحلیل تحقیقات مربوط به اشتغال زنان در تهران



توضیح ابعاد فرانظریه

بعد اقتصادی

تحقیقاتی که در حوزه اقتصادی انجام شده است، بیشتر اشتغال زنان در تهران را در رابطه با معضل بیکاری و بالا رفتن تحصیلات و عدم تطابق شغل با تحصیلات و تأثیر آن بر بازار و اقتصاد در سطوح خرد و کلان را مورد توجه قرار داده‌اند. در این قسمت در رابطه با مسئله اشتغال زنان و اقتصاد به بررسی

تحقیقات انجام گرفته در شهر تهران می‌پردازیم و با توجه به شاخص‌هایی که در این رابطه وجود دارد آن‌ها را می‌سنجیم.

الگوی اشتغال زنان ایرانی، همیشه از اقتصاد مبتنی بر نفت تأثیر پذیرفته است. سطح نازل سواد در میان زنان، عدم دسترسی زنان به مهارت‌های حرفه‌ای نسبت به مردان و عرضه و تقاضا برای کار زنان نیز مهر و نشان خود را بر الگوهای اشتغال زنان ایرانی بر جای گذاشته است (مقدم، ۱۳۸۴). عمده تحقیقات در زمینه اشتغال زنان و در حوزه اقتصاد مباحث بالا را در محدوده‌های متفاوتی مورد توجه قرار می‌دهند. در رابطه با تحقیقات در مورد اشتغال زنان در تهران و در حوزه اقتصادی ما با انواع تحقیقات کاربردی و آماری روبه‌رو هستیم. این گونه از تحقیقات معمولاً از روش‌های تحقیق اقتصاد و از روش‌ها و فرمول‌های مختلف سنجش وضعیت اقتصادی استفاده می‌کنند، اما در نهایت راهبردهایی در رابطه با توسعه اقتصادی و استفاده از نیروی کار زنان در این رابطه ارائه می‌دهند.

بعد اجتماعی و فرهنگی

در بعد تحقیقات اجتماعی-فرهنگی، ما با اتخاذ رویکردهای جامعه‌شناختی روبه‌رو هستیم، که مسائل اشتغال زنان را در چارچوب مفاهیم جامعه‌شناختی مانند، ساختار، عاملیت، نقش، خرده فرهنگ و ... تحلیل می‌کنند. بسیاری از تحقیقات در بعد اجتماعی-فرهنگی متأثر از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی سنتی و یا فمینیستی و در واقع جامعه‌شناسی جدید فمینیستی هستند که در آن جامعه‌شناسی به مثابه اتخاذ دیدی زنانه در رابطه با مسائل مختلف و در اینجا مشاغل زنان مطرح می‌شود.

بی‌طرفی و غیرانتقادی بودن: در میان تحقیقات مورد مطالعه ۱۱ مورد با دیدی بی‌طرفانه به مسئله اشتغال زنان در تهران پرداخته‌اند و روابط سلطه را حذف کرده‌اند. نتایج به دست آمده در بیشتر این تحقیقات حاکی از مشکلات مستقل زنان است و معمولاً با دیدی مثبت‌تر مسائل زنانه را مطرح می‌کنند.

فمینیسم لیبرال

تنها چهار تحقیق از تحقیقات مورد بررسی در چارچوب پارادایم فمینیسم لیبرال قرار می‌گیرند. این چهار تحقیق نیز نتوانسته‌اند که نمره کامل را در این باره به دست بیاورند، معمولاً هر کدام از این تحقیقات در یکی از جنبه‌های تحقیقشان از مبانی فمینیسم لیبرال عدول کرده‌اند. تحقیق شماره ۲ اگر چه به نظریه‌های فمینیسم لیبرال ارجاع می‌دهد و روش آن کیفی می‌باشد و به تبعیض در جامعه اشاره می‌کند اما موضوعش خیلی لیبرالیستی نیست. تحقیق شماره ۱۵ نیز از لحاظ روش‌شناسی در چارچوب پارادایم مردسالارانه باقی مانده است اما از لحاظ نظری و مساله دارای دیدی فمینیستی از نوع لیبرال آن می‌باشد. تحقیق شماره ۱۹ و ۲۰ نیز از لحاظ مسئله و روش و تأکید بر تبعیض در چارچوب پارادایم فمینیسم لیبرال قرار می‌گیرند، اما از لحاظ نظری ضعیف هستند و نتوانسته‌اند به نظریه‌های لیبرال ارجاع بدهند. همچنین معمولاً تحقیقات دیگر نیز دارای جنبه‌هایی از فمینیسم لیبرال هستند و در بعضی موارد در یک یا دو بعد تحقیقشان دارای دید فمینیستی لیبرالی هستند.

در بین چهار بعد حضور پارادایم لیبرالیستی، این پارادایم بیشتر در طرح مسئله حضور دارد، همانطور که از جدول مشخص است ۷ تحقیق مسئله خود را در چارچوب پارادایم فمینیسم لیبرال مطرح کرده‌اند. از این میان تنها ۵ تحقیق بر جنبه‌های تبعیض‌آمیز و غیر عادلانه تأکید کرده‌اند و ۴ تحقیق به نظریه‌های

کار مهم‌ترین ابعاد تحقیقات مربوط به اشتغال زنان در حوزه روان‌شناسی را شامل می‌شوند.

جامعه‌شناسی سنتی (مردسالارانه)

نظریه‌های مردانه: در این‌جا منظور از نظریه‌های مردانه نظریه‌هایی است که دنیا را از دیدگاه مردان می‌بیند و یا در واقع توسط مردان ارائه شده است. در مقابل این دید مردانه و نظریه‌های مردانه ما نظریه‌های فمینیستی را داریم که مدعی هستند جهان را با دیدی زنانه تحلیل می‌کنند. از مجموع بیست تحقیقی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند ۱۳ تحقیق از نظریه‌های سنتی مردانه برای تحلیل مسائل زنانه و تحلیل اشتغال زنان در تهران استفاده کرده‌اند. این موضوع دارای همبستگی زیادی در به کارگیری روش‌های تجربی و پوزیتویستی دارد.

مسئله مردانه: انتخاب نوع مسئله از مهم‌ترین مراحل تحقیق می‌باشد. مسئله مردانه با دیدی غیرانتقادی به جنبه‌های کاربردی اشتغال زنان می‌پردازد و از مطرح کردن مسائلی مانند تبعیض و نارضایتی و ... می‌پرهیزد. این در حالی است که مسئله غیرمردانه و زن محور دغدغه اصلی و محوریتش مبتنی بر کشف جنبه‌هایی از تجربه زنانه است که زنان را در روابطی نابرابر مورد بررسی قرار می‌دهد که در بحث‌های بعدی به آن اشاره می‌شود. همان‌طور که در جدول بالا مشخص است تعداد مسئله‌های با دغدغه مردانه کم است و ۹ تحقیق را شامل می‌شود. البته این ۹ تحقیق چون تحقیقات در رابطه با مسائل زنانه هستند همین ۹ تحقیق نیز زیاد هستند. معمولاً مسائل با دغدغه‌هایی بیشتر زنانه انتخاب شده است. انتخاب مسئله با دغدغه زنانه باعث نمی‌شود که رویکرد مردانه نباشد در حالی که اتخاذ رویکرد زنانه محور به هیچ وجه مسئله یا دغدغه مردانه را شامل نمی‌شود.

بعد روان‌شناختی

یکی دیگر از مهم‌ترین ابعاد تحقیقی که بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در زمینه اشتغال زنان در شهر تهران را شامل می‌شود، بعد روان‌شناختی است (اوتادی، ۱۳۸۰). در این بعد تأثیرات اشتغال زنان بر روی روحیات و عواطف و روابط زنان با دیگران و خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این رویکرد آشکارا به دیدگاه‌ها و نظریه‌های روان‌شناختی در زمینه مسائل و مشکلات زنان در محیط خانواده و در محیط اداره ارجاع داده می‌شود.

در این گونه تحقیقات نتایج تحقیقات در رابطه با افراد به صورت منفرد ارائه می‌شوند. تحقیقات روان‌شناختی به شناسایی آسیب‌های روانی زنان در مواجهه با محیط شغلی و خود مسئله اشتغال و نقش‌های آن‌ها در خانواده می‌پردازد و برای این مسائل و مشکلات راه‌حل‌هایی ارائه می‌کند. مطالعه بعد روانی مربوط به اشتغال زنان با استفاده از نظریه‌ها و مفاهیم روان‌شناختی مانند سلامت روانی، اضطراب، افسردگی و ... در پی درک تأثیرات اشتغال بر زنان و خانواده‌ی آنان هستند (نگاه کنید به آذربایجانی، ۱۳۸۸).. تحقیقات در این زمینه رابطه اشتغال زنان و موقعیت آن‌ها در خانه و رابطه آن‌ها با فرزندان و همسران را مورد بررسی قرار می‌دهند و از این لحاظ متغیرهای مختلف دخیل بر سلامت روانی و یا آسیب‌های روانی در رابطه با اشتغال زنان و به‌خصوص اشتغال بیرون از خانه مورد مطالعه قرار می‌دهند.

جامعه‌شناسی سنتی (مردسالارانه)

در این قسمت ما نگاهی به دیدگاه‌های مردسالارانه در رابطه با اشتغال زنان داریم. عمده توجه ما در این قسمت بر انتقاداتی است که جامعه‌شناسان زن فمینیست بر جامعه‌شناسی سنتی وارد کرده‌اند. این دیدگاه بر این باور است که

جامعه‌شناسی و تحقیقات غیر فمینیستی تنها به بازتولید منافع مردان می‌انجامد و نمی‌تواند مسائل و مشکلات زنان و تجربه خاص آن‌ها را آن‌گونه که واقعاً هست مورد مطالعه قرار دهد (ابوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۸). تحقیقات مردانه از دیدگاه‌ها و نظریات مردسالارانه و با پیش‌فرض‌های مردسالارانه صورت می‌گیرد و از این لحاظ تنها و تنها به بازتولید وضعیت موجود که وضعیتی نابرابر است می‌انجامد.

پارادایم فمینیسم لیبرال

در این قسمت میزان تأثیر پذیری تحقیقات مربوط به اشتغال زنان در تهران را از ایده‌های فمینیستی لیبرال ردگیری کنیم و چگونگی کاربست این ایده‌ها را در تحقیقات مذکور روشن کنیم. در این‌جا موضوع مهم این است که دیدگاه‌های فمینیستی لیبرال متناسب با وضعیت و شرایط کشورهای لیبرالی و غربی شکل گرفته است (اسفندیار، ۱۳۸۸)، حال می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا کاربست این ایده‌ها برای تحلیل وضعیت اشتغال زنان در تهران درست است یا نه؟ این موضوع امکانی برای بررسی و تحلیل تحقیقات انجام گرفته در خصوص اشتغال زنان در تهران است.

در کل هدف فمینیسم لیبرال احقاق حقوق برابر برای زنان بوده است. یعنی برخورداری زنان از حقوق شهروندی مساوی با مردان. فمینیست‌های لیبرال علیه قوانین و سنت‌هایی مبارزه کردند که حق را به مردان می‌دهند و به زنان نمی‌دهند یا با ادعای حمایت از زنان وضع می‌شود.

پارادایم فمینیسم رادیکال

فمینیست رادیکال تمام مسائل، موضوعات یا به عبارت دیگر کارکردها و ساختارهای یک جامعه را «مردانه» می‌بینند و بر این باورند که هژمونی (سلطه

رده‌های پایین شغلی به کار مشغول می‌شوند. از طرف دیگر شاهد تأثیرگذاری اشتغال زنان بر تغییر پایگاه اجتماعی زنان است، بالا رفتن رده شغلی زنان باعث بالا رفتن پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان می‌شود.

درک از تبعیض یکی دیگر از موضوعاتی است که در رابطه با رضایت شغلی زنان مطرح شده است. درک از تبعیض به دلایل مختلفی اتفاق می‌افتد. عدم تناسب بین شخصیت و تحصیلات و شغل، داشتن نقش‌های دوگانه، دستمزدهای پایین، دید منفی دیگران به زنان شاغل و غیره باعث احساس تبعیض در بین زنان می‌شود. آن‌ها تفاوت خودشان و مردان را درک می‌کنند و رفتارهای تبعیض‌آمیز به تنوعی نارضایتی شغلی در بین آن‌ها می‌انجامد.

بعد روان‌شناختی

در رابطه با بعد روان‌شناسی کارهای تحقیقاتی در رابطه با اشتغال زنان در تهران چیزی که مورد توجه است، کم بودن موضوعات مورد بررسی و عدم ارتباط آن‌ها با روان‌شناسی است. در بیشتر تحقیقاتی که در حوزه روان‌شناسی اشتغال زنان انجام شده است، حوزه تحقیقی وارد روان‌شناسی اجتماعی شده و گاهی تا حد جامعه‌شناسی پیش رفته است. انتظاری که تحقیقات روان‌شناسی می‌رفت بیشتر پرداختن به جنبه‌های آسیب‌شناسی روانی اشتغال زنان بود که متأسفانه این‌گونه نیست و بسیاری از مفاهیم و مسائل اولیه روان‌شناسی که در رابطه با اشتغال زنان مطرح است مورد توجه قرار نگرفته است. تنها هشت پژوهش از بیست پژوهش مورد مطالعه به مسائل روان‌شناختی در رابطه با اشتغال زنان پرداخته‌اند و در این میان تنها تحقیق شماره ۴، شماره ۱۰ و شماره ۱۹ به صورت خاص از دیدگاه روان‌شناختی مسئله اشتغال زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. سلامت روانی، نشاط و افزایش اعتماد به نفس و فشارهای روانی ناشی از

افراد خانواده به کار پردازد. به‌خصوص زنان هنگامی که بچه‌دار می‌شوند این مشکل بسیار بیشتر می‌شود، زیرا هم باید خانه‌دار باشند و هم بچه‌دار و هم شاغل. مسئله مهم بعدی در این‌جا عدم خودباوری و دید منفی به توانایی‌های خود در بین زنان است. تربیت اجتماعی زنان باعث شده است تا در برابر مردان کمتر احساس توانایی در امور مختلف داشته باشند، معمولاً نقش‌های شغلی زنان نقش‌های دنباله رو مردان است، و زنان بسیار کم برای ارتقای شغلی و رسیدن به سطوح بالاتر تلاش می‌کنند، آن‌ها توانایی‌های مردانه را قبول کرده و خود را در برابر آن‌ها ناتوان می‌دانند.

مسئله بعدی که پس از مشکلات زنان بیشترین توجه در بین تحقیقات انجام گرفته به آن شده است، مسئله نگرش‌های منفی به کار زنان است. نگرش منفی به کار زنان متأثر از فضای مردسالارانه سنتی در ایران است. بدین معنا که زن تنها باید به کارهای خانه پردازد و به هر نوعی که از خانه خارج شود باعث از هم گسیختگی بنیان خانه و خانواده می‌شود.

مدیریت زنان از یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی است که در رابطه با اشتغال زنان مطرح شده است. به نظر می‌رسد که حوزه مدیریت زنان برای دانشجویان رشته مدیریت دارای جذابیت است و تنها حوزه‌ای است که پژوهشگران پسر نیز در آن به تحقیق پرداخته‌اند. آنچه که در بیشتر تحقیقات مورد مطالعه وجود دارد، پرداختن به موضوع مدیریت زنان از دیدگاهی پوزیتیویستی است.

تعدادی از تحقیقات صورت گرفته در رابطه با اشتغال زنان به تغییرات پایگاه اجتماعی زنان پرداخته‌اند، موضوع پایگاه اجتماعی زنان شاغل به دو صورت جداگانه این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند، از یک‌طرف پایگاه اجتماعی و منزلتی زنان باعث گرایش و پذیرش زنان به شغل‌های خاصی می‌شود، بدین معنا که زنان با پایگاه اجتماعی بالا شغل‌ها و پایگاه شغلی بهتری را به دست می‌آورند و زنان با پایگاه اجتماعی پایین نمی‌توانند شغل به دست بیاورند و یا در

سیستمی) مردان فراتاریخی بوده که بحث‌هایی نظیر دستمزد، اشتغال، قانون، حکومت، ابزارها، حتی تولید و کار در تحلیل نهایی شمایل و تفکری مردانه دارد(مشیر زاده، ۱۳۸۲).

در کل دیدگاه فمینیستی رادیکال با ایده‌ها و آرمان‌ها و دستورالعمل‌های تندروانه، به دنبال یک جنگ تمام عیار است. این نحله از فمینیسم، در سال‌های اخیر در ایران توسعه پیدا کرده است و بر تحقیقات و مطالعات در مورد زنان به‌خصوص در سطوح دانشگاهی تأثیر گذاشته است. از این لحاظ ما با گسترش تحقیقات رادیکال و تندروانه‌ای روبه‌رو بوده‌ایم، که ایده‌های فمینیست رادیکال را بدون تغییر و به صورت کورکورانه به‌کار گرفته‌اند. در رابطه با اشتغال زنان این گونه از مطالعات، اشتغال را خارج از حوزه عمل مردانه تعریف می‌کنند و مواردی در رابطه با دست کم گرفتن زنان، حقوق و مزایای پایین آن‌ها، نرسیدن زنان به سطوح بالای مدیریتی و ... بحث می‌کنند و از این لحاظ خواهان به دست‌گیری سطوح بالای مدیریت هستند و بر این باورند که باید اشتغال را از حوزه عمل مردانه بیرون کشید.

پارادایم اسلامی

در رابطه با اشتغال زنان مسئله اشتغال زنان را از دیدگاه اسلام مطرح می‌شود. از این لحاظ فمینیسم اسلامی و دیدگاه‌های اسلام در رابطه با مسائل زنان یکی از ابعاد سنجش و تحلیل تحقیقات صورت گرفته در رابطه با اشتغال زنان در ایران است که ما در این تحقیق از آن استفاده می‌کنیم. در این‌جا می‌توان مسائلی مانند میزان نزدیکی فمینیسم به دیدگاه‌های اسلامی، ارائه تصویری درست از اسلام و در عین حال مرتبط با مشکلات امروزی در زمینه اشتغال زنان و ارائه راه‌حل‌های

مطابق با مشکلات در رابطه با تحقیقات اشتغال زنان در تهران را در تحقیقات پیگیری کرد و مورد تحلیل و نقد قرار داد.

روش شناسی

به فراتحلیل شهرت یافت، در واقع شیوه تفکر در ترکیب پژوهش‌هاست. اصطلاح فراتحلیل را اولین بار گلاس (Class) رئیس انجمن تحقیقات آموزشی آمریکا در سال ۱۹۷۶ به کار برد. گلاس فراتحلیل را به صورت زیر توضیح داده است:

«رویکردی که به ادغام و ترکیب پژوهش‌ها تحت عنوان فراتحلیل توجه دارد، چیزی بیش از روشی برای تحلیل داده‌ها نیست که در آن داده‌های متعلق به تجارب افراد به صورت کمی خلاصه می‌شود... اصل اساسی و عملی در روش عبارت است از ترکیب نتایج تحقیقات مختلف و استخراج نتایج جدید و منسجم و حذف آنچه که موجب سوگیری در نتایج می‌شود. فراتحلیل تحلیل تحلیل‌هاست. به این معنی که از طریق تحلیل اولیه (تحلیل مقدماتی داده‌ها) به تحلیل ثانویه (تحلیل مجدد داده‌ها) می‌پردازد» (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۸۷).

بنابراین آنچه فراتحلیل بر آن تکیه دارد عبارت است از جمع‌آوری یافته‌های پژوهش از مطالعات منفرد و پراکنده به منظور ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌های آن جهت استفاده علمی و کاربردی. فراتحلیل در حوزه مطالعاتی دنیای امروز جایگاه ویژه‌ای دارد. استفاده از برآیند یافته‌های پژوهش‌های مختلف، جهت برنامه‌ریزی و اداره بخشی از جامعه یا کل آن، از مهم‌ترین عواملی است که موجب اهمیت این نوع مطالعات شده است.

در این مقاله ما از روشی از ترکیب تحلیل محتوای کیفی و تحلیل تفسیری استفاده می‌کنیم. در روش تحلیل محتوا، تأکید بر آن است که از ساخت و

در تحقیقات مربوط به اشتغال زنان مطرح شده است و به صورت تجربی و با روش‌های کمی و کیفی به آن پرداخته شده است.

انواع مختلف مسائل و مشکلات زنان در رابطه با اشتغال زنان که در پژوهش‌های مورد مطالعه به آن‌ها پرداخته شده است، ارائه شده‌اند. دو مشکل احساس اجحاف از نقش‌های دوگانه و بی‌عدالتی در سازمان‌ها و در محیط کار بیشتر در تحقیقات مورد مطالعه منعکس شده‌اند. احساس اجحاف از نقش‌های دوگانه به تداوم نقش خانه‌داری و مادری و همسردهاری در کنار نقش شاغل و نان‌آور اشاره می‌کند. در این وضعیت فشار زیادی بر روی زنان وجود دارد، و انجام تمامی این نقش‌های استرس‌زایی را بر آن‌ها وارد می‌کند. در واقع مردان و به طور کلی جامعه با تغییر نقش زنان در جوامع امروزی مشکل دارند و حاضر به همکاری با زنان در امور خانه‌داری نیستند و دیدگاه ذات باورانه به این‌که کار خانه به هیچ‌وجه مردانه نیست و تنها زنان باید به آن بپردازند باعث شده است تا زنان احساس بی‌عدالتی در این رابطه بکنند. همچنین بی‌عدالتی‌های زیادی در محیط‌های شغلی در رابطه با زنان وجود دارد. این بی‌عدالتی‌ها شامل حقوق کمتر زنان در مقابل مردان، کارهای سنگین‌تر و از نظر منزلتی سبک‌تر برای زنان، عدم ارتقای شغلی زنان و... است. بی‌عدالتی‌ها در رابطه با زنان به دو صورت انجام می‌گیرد، یکی به صورت هنجار قانونی که طی آن قوانین و هنجارهای از پیش تعیین شده‌ای وجود دارد که زنان مجبور هستند تحت این قوانین به کار مشغول شوند و از طرفی دیگری محدودیت‌هایی نیز در رابطه با کار آن‌ها از طرف مردان در محیط کار ایجاد می‌شود.

مسئله بعدی که در بین مشکلات زنان بیشتر به آن پرداخته شده است، مسئله امور منزل و بچه‌داری می‌باشد. این موضوع در رابطه با نقش‌های دوگانه زنان نیز مطرح است. در واقع زن در منزل مجبور است مانند یک فرد خانه‌دار تمامی کارهای منزل را انجام بدهد و بعد در بیرون از خانه نیز هم‌پای شوهر و یا دیگر

اشاره شده است، اما این مسئله نیز نتوانسته است به عنوان مسئله مرکزی مطرح شود. یکی دیگر از مسائل زنان که در پژوهش‌های مورد مطالعه به آن پرداخته شده است، عدم دسترسی زنان به پست‌های مدیریتی است. از آنجایی که تعدادی از پایان‌نامه‌های مورد بررسی در دانشکده‌های مدیریت و توسط دانشجویان مدیریت انجام شده است، مسئله عدم دسترسی زنان به پست‌های مدیریتی به عنوان یک مسئله مرکزی مطرح شده است، هر چند که در بیشتر موارد به جنبه‌های اجتماعی آن اشاره شده است، اما در کنار جنبه‌های اجتماعی تا حدودی جنبه‌های اقتصادی نیز مورد بحث قرار گرفته است. همچنین مسئله بیکاری زنان تنها در سه پایان‌نامه مطرح شده است و بحث‌های خود اشتغالی زنان و زنان به عنوان نان‌آوران خانه به هیچ وجه در پژوهش‌های مورد مطالعه مطرح نشده‌اند.

بعد اجتماعی و فرهنگی

در رابطه با اشتغال زنان در تهران جنبه‌های اجتماعی بیشترین حجم تحقیقات انجام گرفته را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد که اشتغال زنان برای حوزه‌های تحقیقی علوم اجتماعی بسیار بیشتر جذاب است. جنبه‌های اجتماعی اشتغال زنان نشان از مسائلی دارد که از لحاظ اجتماعی گریبان‌گیر زنان و خانواده و رابطه زنان و جامعه شده است، مسائل و مشکلات زنان در خانواده، در محل کار، نقش‌های مختلف زنان مانند خانه‌داری و کارمندی و مادری و ... همه و همه احتیاج به بررسی‌های جامعه‌شناختی دارند و آنچه در رابطه با تحقیقات مربوط به اشتغال زنان در تهران مهم است، برجستگی همین جنبه‌های اجتماعی تحقیق است.

در این میان مشکلات زنان شاغل در تهران نسبت به دیگر مسائل از اهمیت بیشتری برخوردار است. مشکلات زنان دامنه وسیعی را شامل می‌شود و برای خود زنان و خانواده‌های آن‌ها به عنوان یک مسئله مهم مطرح است، این موضوع

محتوای متون می‌توان موضوع ایدئولوژیک پنهان، سطح علاقه و اقتدار تولیدکننده متن را تعیین کرد. بنابراین تحلیل محتوا می‌تواند روال بازنمایی موضوعات را ارزشیابی کند.

در روش تحلیل تفسیری، به عنوان یکی از روش‌های تحلیل محتوای کیفی، نحوه ارائه متون مورد مطالعه و تفسیر قرار می‌گیرند. بدین معنا که تحقیقات مورد مطالعه، در یک رابطه بین جزء و کل و با توجه به زمینه‌ای که در آن متن به وجود آمده است مورد تفسیر قرار می‌گیرد. در این تحقیق و در مورد اشتغال زنان روش تحلیل تفسیری از یک طرف در درک بهتر تحقیقات و پژوهش‌های این زمینه به ما یاری می‌دهد و از طرف دیگر ما داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از دیگر روش‌ها را مورد تفسیر قرار می‌دهیم.

پارادایم‌های معرفت‌شناسی تحقیقات انجام گرفته در رابطه با

اشتغال زنان در تهران

در این قسمت پارادایم‌های معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی حاکم بر تحقیقات انجام گرفته در شهر تهران به تفکیک ارائه می‌شود. پارادایم‌های عمده در رابطه با اشتغال زنان در شهر تهران به دلیل تشابه زیاد این تحقیقات از نظر معرفت‌شناسی به سه دسته تقسیم می‌شوند. سه پارادایم عمده در این باره عبارتند از، دیدگاه‌های پوزیتیویستی، دیدگاه‌های تفسیرگرایانه، دیدگاه‌های انتقاد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که پارادایم اصلی حاکم بر مطالعات مربوط به اشتغال زنان پوزیتیویسم می‌باشد. این دیدگاه به دنبال بی‌طرفی ارزشی در کار تحقیق می‌باشد و کارهای تبیینی و توصیفی را تنها به مثابه نوعی اکتشاف موضوع در نظر نمی‌گیرد. اگرچه ممکن است در تحقیقاتی که تحت عنوان پارادایم پوزیتیویستی قرار گرفته‌اند نکته‌هایی انتقادی در رابطه با اشتغال زنان وجود داشته باشد، اما

این‌گونه از تحقیقات چارچوب کلی کار خود را اجرای دقیق یک تحقیق پوزیتیویستی و سنتی قرار داده‌اند و چارچوب هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خود را در چارچوب پارادایم پوزیتیویستی قرار داده‌اند. هیچ کدام از پژوهش‌های مورد مطالعه با رویکردی انتقادی به مسئله اشتغال زنان در تهران نپرداخته‌اند. این در حالی است که با ظهور دیدگاه‌های فمینیستی بنیان‌های نظری و روش‌شناسی برای این رویکرد فراهم شده است. به نظر می‌رسد که پژوهش در زمینه مسائل زنان در ایران از وارد شدن به حوزه مسائل انتقادی در رابطه با نظام مردسالارانه و همچنین نابرابری‌های جنسیتی از لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قانونی می‌پرهیزد. در این جا رویکرد انتقادی بنیان‌های اصلی نظام‌های نابرابری را مورد حمله قرار می‌دهد و به دنبال تغییر آن‌ها است. در واقع عمل تحقیق به مثابه کنشی اعتراضی انجام می‌گیرد که در رابطه به پژوهش‌های مورد مطالعه این رویکرد کاملاً مطرود شده است. عدم استفاده از رویکردهای انتقادی به نوعی دیدگاه اصلاح‌گرایانه در رابطه با مسئله اشتغال زنان در تهران انجامیده است.

در بین پژوهش‌های انجام شده تنها ۴ پژوهش به نوعی با رویکرد تفسیر گرایانه به مسئله اشتغال زنان نگاه کرده‌اند. در این چهار تحقیق که عموماً از روش‌های کیفی به جای روش‌های کمی استفاده کرده‌اند، از جامعه‌شناسی سنتی گریخته و تا حدودی زیست جهان‌زندگی زنان شاغل مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این پژوهش‌ها زنان از خود می‌گویند و به آن‌ها آزادی سخن گفتن داده می‌شود. محقق اطلاعات به دست آمده را با توجه به موضوعات مورد تفسیر قرار داده‌اند.

هیچ کدام از پژوهش‌های مورد مطالعه با رویکردی انتقادی به مسئله اشتغال زنان در تهران نپرداخته‌اند.

روش‌شناسی تحقیقات مورد مطالعه

روش‌های به کار گرفته شده در پژوهش‌های راجع به اشتغال زنان بیشتر روش کمی و پرسشنامه بوده و از روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. روش کمی در بیشتر حوزه‌های علوم اجتماعی برای مدت‌های زیادی، روش غالب و شناخته‌شده‌ای بوده، یکی از مهم‌ترین دلایل استفاده از روش کمی در این‌گونه تحقیقات عدم آشنایی با روش کیفی می‌باشد. هر چند در بعضی از موارد از روش‌های کیفی و کمی با هم استفاده شده است.

اقتصاد و اشتغال زنان

در بین ۲۰ پژوهشی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند تقریباً هیچ کدام در دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه‌های مختلف شهر تهران انجام نگرفته‌اند به نظر می‌رسد که در رابطه با تحقیقات در مورد زنان در شهر تهران علاقه چندانی به اشتغال زنان و تأثیر آن بر اقتصاد وجود ندارد. همچنین تنها دو پژوهش مسائل اقتصادی را در اولویت کار خویش قرار داده‌اند. بنابراین بسیاری از حوزه‌ها و شاخص‌هایی که در اقتصاد مهم هستند در رابطه با اشتغال زنان مسکوت مانده‌اند و به آن‌ها توجه چندانی نشده است.

استقلال مالی زنان به عنوان یکی از مسائل مهمی که در حوزه اقتصاد اشتغال زنان مطرح است نسبت به دیگر مسائل بیشتر مطرح شده است. در این جا از ۲۰ پژوهش ۸ پژوهش به صورت‌های مختلف به این موضوع اشاره کرده‌اند. اگرچه همان‌طور که آمد در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها مسئله استقلال زنان مفهوم و مسئله مرکزی نبود. مسئله دیگری که در این پژوهش‌ها در مورد آن بحث شده است، مسئله تأثیرگذاری زنان بر اقتصاد می‌باشد. از ۲۰ پژوهش مورد مطالعه ۷ پژوهش به این موضوع اشاره کرده‌اند و در فصل‌های مختلف پژوهش‌ها به آن